

بیانات در دیدار اعضای اتحادیه های انجمنهای اسلامی دانش آموزان و مسؤولان امور تربیتی سراسر کشور - 9 /اسفند/ 1379

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز جلسه ما به جمع پُرشور و پُر مهر جوانان عزیزی مزین است که دلپایشان از ایمان روشن بینانه سرشار است؛ هم عزیزان امور تربیتی و مسؤولان تربیت جوانان دانش آموز در دبیرستانها، و هم جوانان انجمنهای اسلامی دانش آموزی؛ دو نقطه ی بسیار مهم با گستره بسیار عظیم و مسؤولیت بسیار بزرگ. موضوع کار هر دو نهاد - هم نهاد انجمنهای اسلامی و هم نهاد امور تربیتی - جوانان هستند؛ آن هم در مقطع دانش آموزی در دبیرستانها، که بسیار حائز اهمیت است.

جوان، يك نهال بالنده و مرکز اغلب نیکیها و درخشندگیها و نورانیتهاست. این صفا و محبتی که در شما جوانان عزیز مشاهده می شود، خاستگاهش همین دل پاک و نورانی جوانی است. من البته به شما عرض کنم: عزیزان من! این محبت، دو طرفه است. من هم به عنوان پدر پیر شما، دلم سرشار از محبت شما جوانان است. در هر جامعه ای مسأله جوانان يك مسأله بسیار مهم است. یکی از گرفتاریهای بزرگ کشورهای غربی - که گاهی می گویند، گاهی هم کتمان می کنند - مسأله جوانان آنهاست. شما خیال نکنید که مسأله جوان - چه دختر و چه پسر - در جوامع غربی حل شده است؛ نه. در بین هزار نفر جوان در آن جا، شاید نتوان يك نفر را پیدا کرد که این همه صفا و نورانیت و پاکی و طهارت در او مشاهده شود. خاصیت نظامهای مبتنی بر مادیت و متکی به ارزش و اهمیت سرمایه و پول و آزادی شهوات، جز آنچه که امروز دارند آن را تجربه می کنند، چیز دیگری نیست. سقوط ملتها همیشه يك امر ناگهانی نیست؛ يك امر تدریجی است. این امر تدریجی را چشمهای تیزبین متفکران غربی در امریکا و اروپا مشاهده می کنند. در آن جوامع، جوان به طور معمول مایل به بی بندوباری، ناپرخوردار از حیا و مایل به ارتکاب جنایت و تجاوز و تعدی تربیت می شود و در فساد اخلاقی غرق است. چنین نسل جوانی برای هر جامعه ای، در هر حدی از علم و معرفت و ثروت هم که باشد، مثل موربانه ای پایه های آن جامعه و نظام را می جود و از بین می برد. نقطه مقابل آن را شما امروز در کشور خودمان مشاهده می کنید؛ شوق جوانی، نورانیت جوانی، صفای جوانی، دینداری و ایمان در جوانان؛ پدیده ای که از اوّل انقلاب تا امروز به طور مستمر مثل يك رودخانه زلال و پُرخروش در جریان بوده است. جوانان و نوجوانان کشور ما، در دوران جنگ و پس از جنگ توانستند پاکی خودشان را حفظ کنند. بعضی از آمارهایی که عکس این را ادعا می کند، آمارهای واقعی نیست. نه این که من از وجود جریانها و حرکات بدآموز در میان جوانان بی اطلاع باشم - نه، من می دانم چه می گذرد - اما در زیر این کفها و این گل و لایها، من جریان عظیم و خروشان نجابت و دیانت و اصالت و نورانیت را هم مشاهده می کنم. این نسل جوان، امروز مخاطب شما مسؤولان امور تربیتی و شما عزیزان انجمنهای اسلامی است.

در مورد جوانان گرایشهای افراطی و تفریطی مشاهده می شود. بعضی کسان عادت کرده اند شخصیت و اراده و فهم و تواناییهای بیکرانه جوان را ندیده بگیرند و او را به ندانستن یا به هرگونه چیزی که از نظر آنها ناپسند است، متهم کنند. این عادت غلطی است. جوان، مظهر تحرک و سرشار از استعداد و دارای ذخیره ارزشمندی است - یعنی نشاط جوانی، قدرت جوانی، استعداد جوانی و حوصله جوانی - که می تواند معجزه ها بیافریند. آن بی اعتنایی، يك رفتار و برداشت غلط و منحرفانه است.

در نقطه مقابل، عده ای سعی می کنند جوان را بازیچه مطامع و اهداف سیاسی خودشان قرار دهند و او را به عنوان ابزار به کار گیرند؛ آنچه را که برای جوان لازم است - چون ممکن است خاطر او را آزرده کند - به او نگویند؛ آنچه که او را به آنها خوش بین و از آنها دلخوش می کند - اگر خلاف واقع هم هست - به او بگویند؛ برای این که در

میدانهای سیاسی و حزبی و برای اهداف گوناگون و بعضاً نامقدس لشکرکشی کنند. این هم غلط و انحراف و خیانت و تزیین نعمت الهی است.

جوان يك انسان سرشار از استعداد و دارای حقوق فراوانی بر پدر و مادر، بر مدرسه، بر حکومت و بر مسؤولان بخشهای گوناگون است. اینها باید وسایل رشد و کمال او را فراهم آورند و به او کمک کنند تا بتواند راه درست را انتخاب کند. این کمک کردن هم به میزان زیادی با رفتار و عمل ممکن می شود. گفتار و حرف، همیشه اثری ندارد؛ گاهی ممکن است مؤثر واقع شود؛ اما گاهی عمل، حرف را تخطئه می کند. همه کسانی که با جوانان مواجهند - از جمله شما جوانان عزیز که در انجمنهای اسلامی هستید، یا عزیزانی که در امور تربیتی هستند - سعی کنند رفتار خودشان را عاقلانه، حکیمانه، خیرخواهانه، صلاح جویانه، صمیمانه و سرشار از محبت و صفا قرار دهند. این می تواند دلهای جوانان را - هر جا و هر طور که باشند؛ ولو فرض کنیم بر روی احساسات پاک آنها خاکستری از خطا هم نشسته باشد - از آنچه که در معرض آن است، نجات دهد.

من اکنون خطابم به شما جوانان عزیز است: شما ذخیره ارزشمندی از زندگی را در دست و در پیش رو دارید. جوان، در آغاز زندگی است. فرض کنید کشاورزی تازه محصول را به دست آورده و انبارش پر از محصول است؛ با این محصول فراوان و وافر و سالم چگونه عمل خواهد کرد؟ دوگونه ممکن است عمل کند: يك طور، کشاورز خردمند و هوشمند و عاقبت اندیشی است که سعی می کند این محصول را سالم نگه دارد؛ در آن تفریط نکند؛ اجازه فاسد شدن به آن را ندهد؛ آن را به قدر لازم برای روز نیاز خود حفظ کند؛ به قدر لازم از آن مصرف کند و آنچه را که برای بذر مفید است، انتخاب کند تا سالهای آینده از بذر آن استفاده نماید. يك نفر دیگر هم ممکن است پیدا شود که قدر این انبار پر را نداند و خیال کند که همیشه پر خواهد ماند؛ نه برای حفظ و نگهداری آن، نه برای مصرف برنامه ریزی شده آن و نه برای فکر روزهای نیاز و احتیاج خود، هیچ گونه تلاش و مجاهدتی انجام ندهد. این ناخردمندانه است. البته کسانی هم که ذخیره انبارشان به آخر رسیده است - یعنی پیرمردان و پیرزنان؛ انسانهایی که در سنین بالا هستند - حس نمی کنند که این انبار در حال تمام شدن است. این گرفتاری بزرگ بشر است عزیزان! آنها هم عاقلانه نمی اندیشند؛ آنها هم اگر خردمندانه بیندیشند، رفتارها تصحیح، خطاها جبران و راه درست انتخاب خواهد شد؛ اما افسوس! آنها هم گاهی درست فکر نمی کنند. ما در آموزش تاریخ و در تجربه زمان خودمان یافته ایم که جوانان بیشتر می توانند، بیشتر می خواهند و بیشتر عمل می کنند. در دوران حکومت صالحان، وضع این گونه است. جوان در موارد بسیاری، علاوه بر این که تواناییش بیشتر است، همّت و اراده اش هم از کسانی که عمری را گذرانده اند، بهتر و بیشتر است.

شما در دوران جوانی هستید؛ این انبار هنوز پر است. بخشی از این انبار باید به صورت بذر از آن استفاده شود؛ آن بخش، مربوط به همین سالهای جوانی شماست؛ این، بذر آینده است. برای زندگیتان برنامه ریزی صحیح کنید. چیزهایی هست که تا آخر عمر برای انسان مفید است؛ چیزهایی هست که برای انسان تا بعد از آخر عمر - یعنی در دوران نشئه زندگی بعد - هم مفید است؛ چیزهایی هست که برای انسان در دورانهای حوادث مهم، مفید واقع می شود. شما دهها سال در این دنیا زندگی خواهید کرد؛ بنابراین خودتان را از لحاظ علم مجهّز کنید. علم از جمله ی چیزهایی است که تا آخر عمر برای انسان مفید است. اگر بر این علم، عمل خوب و ماندگاری مترتب شود، برای بعد از مرگ هم مفید خواهد بود. درس خواندن، يك فریضه اصلی برای شماست. برای جوانان ورزش کردن يك سرمایه اندوزی است. من اعتقاد دارم ورزش برای همه يك فریضه عمومی است. البته منظورم ورزش حرفه ای نیست. ورزش حرفه ای را هم رد نمی کنم، اما توصیه نمی کنم که همه جوانان سراغ ورزش حرفه ای بروند؛ نه. ورزش برای سلامت و حفظ نشاط است. این هم سرمایه ای است که تا اواخر عمر، برای شما می ماند. تن پروری و بیکارگی، ضایع کردن آن سرمایه عظیم است. يك خصوصیت دیگر هست که اگر در شما باشد، هم در دوران عمر شما مفید است، هم برای دیگران مفید واقع خواهد شد و هم برای نشئه آخرت و دوران بی پایان زندگی بعد از مرگ مفید است. آن تهذیب نفس است؛ خودتان را پاکیزه کنید. جوانان عزیز ما با معارف دینی، با معارف الهی، با معارف بشری و با عمل صحیح دینی می توانند این کار را بکنند. امروز میدان مسائل اجتماعی هم میدان مسائل دینی است. حضور در مراسم

عظیمی که در جمهوری اسلامی به طور مکرر وجود دارد؛ از نماز جمعه‌ها بگیرد تا راهپیمایی بیست و دوم بهمن؛ همه اینها کارهای دینی است. با این روشها و با این اعمال، نفس خودتان را - آن دل پاک و نورانیتان را - هرچه بیشتر ثابت قدم کنید.

من بعکس کسانی که احساس می‌کنند جوان نمی‌تواند طرف خطاب قرار گیرد - مسؤولیتی ندارند و برای جوهر وجود جوان احترام و ارزشی قائل نیستند - معتقدم که امروز یکی از سنگین‌ترین بارهای مسؤولیت بر دوش شما جوانان است. امروز سیلی خوردگان از انقلاب و کسانی که با پدید آمدن نظام جمهوری اسلامی بساط غارتگریشان از این کشور برچیده شد، روی جوانان متمرکز شده‌اند. بارها گفته‌اند و تکرار کرده‌اند که کارشان در ایران، کار فرهنگی است؛ کار سیاسی هم نیست. کار فرهنگی یعنی چه؟ یعنی می‌خواهند کاری کنند که همین ایمان، همین شور و عشق، همین نورانیت و صفایی که امروز در شما جوانان وجود دارد، در نسل جوان ایران از بین برود. نقشه آنها این است و البته من به طور قاطع می‌گویم موفق نخواهند شد.

جوان ما بیدار است. پسر و دختر ما هوشیارند؛ دانش آموزان، دانشجویان، جوانان دیگرمان در حوزه‌های علمی بیدارند. این آگاهی را هم اسلام و انقلاب به این کشور و به جوانان داده است. سعی می‌کنند در داخل مدارس و دانشگاهها نفوذ کنند. اولین اقدام آنها هم این است که جوان را به بی بندوباری و فساد سوق دهند و فروغ حیا را در او بمیرانند. شما حتماً بیشتر از من می‌دانید که آنها با عوامل ناآگاه و غافل خودشان در مدارس چه کارهایی می‌کنند. جوان هشیار مؤمن و متدین امروز، در مقابل این توطئه‌ها بیدار است و آن جایی که نشانه حضور و سرانگشت دشمن را ببیند، او را در زیر پای خودش لگد و له می‌کند.

به برادران و خواهران و عزیزان امور تربیتی عرض می‌کنم: همه تلاش شما باید این باشد که جوان مسلمان و مؤمن و بیدار تربیت کنید. رحمت خدا بر شهید رجایی و شهید باهنر که این نهال را در زمین آموزش و پرورش نشانند. خوشبختانه امروز آموزش و پرورش از مدیریت خوب و مؤمنی برخوردار است و به این مسائل اهمیت داده می‌شود. البته عده‌ای کار شکنی می‌کنند؛ این را ما می‌بینیم و غافل نیستیم. همت شما عزیزان امور تربیتی در درجه اول این باشد که جوان را مؤمن، آگاه، روشن بین در مسائل دینی و پایبند به معارف و عمل اسلامی بار بیاورید. آینده کشور این گونه تأمین خواهد شد. وسوسه دشمنان برای ایجاد تشکیک در اعتقادات جوانان را، زمزمه‌ی خصمانه به حساب آورید و نگذارید در کارشان موفق شوند. سرگرم کردن جوانان به چیزهایی که جوانان دنیا پیش از جوانان ما به آنها سرگرم شدند و امروز توانش را پس می‌دهند، کمک به نسل جوان این کشور نیست. عده‌ای سعی می‌کنند جوان ایرانی را با بهانه‌های گوناگون، به سمت مسائل سرگرم کننده، موسیقیهای مضر، سرگرمیهای جنسی و از این قبیل سوق دهند. این همان لجنزاری است که جوان غربی و جوان امریکایی و اروپایی را در خودش غرق می‌کند؛ این چیز تقلید کردنی‌ای نیست. در مقابل این بایستید.

به شما عزیزان انجمنهای اسلامی هم عرض می‌کنم: هر کدام از شما یک نیرو از نیروهای اسلامی؛ خودتان را نگه دارید، بسازید و رشد دهید؛ برای ورود در دانشگاه یا حوزه و بعد ورود در میدان کار و میدان اجتماع در نظام جمهوری اسلامی آماده کنید تا بتوانید مثل نورافکنی بدرخشید. هر مجموعه انجمن اسلامی در هر کجای این کشور، یک سنگر است. دانش آموز دبیرستان باید بتواند در این سنگر قرار گیرد تا کید و حمله دشمن را خنثی کند. این یک سنگر فرهنگی و فکری است؛ سنگری است که سلاح در آن، سلاح دین و تدبیر و علم و فکر و فرهنگ است. اگر این سنگرها مستحکم باشد، دشمن نه در حمله نظامی، نه در حمله اقتصادی، نه در حمله سیاسی و نه در خطرناکترین این حمله‌ها - یعنی حمله فرهنگی - توفیقی در این کشور به دست نخواهد آورد. تا امروز هم ناموفقیتها و شکستهای دشمن، به خاطر حضور همین جوانان مؤمن و خوب در عرصه‌های مختلف بوده؛ بعد از این هم همین طور خواهد بود و روز به روز هم باید گسترش پیدا کند. تک تک شما و تک تک دانش آموزان تصمیم بگیرند آن چنان خودشان را بسازند که آن روزی که وارد دانشگاه یا حوزه شدند یا به هر نقطه و مرکزی منتقل شدند، در آن جا چراغی باشند تا دیگران را راهنمایی کنند. خدای متعال از زبان مؤمنین می‌فرماید: «واجعلنا للمتقین اماما». (1) هر انسانی باید این صلاحیت را در خودش به وجود آورد که در هر نقطه‌ای که هست، دیگران بتوانند به او اقتدا کنند؛

نه فقط اقتدای در نماز جماعت، بلکه اقتدای در عمل، اقتدای در فکر، اقتدای در رفتار. امروز بحمدالله فضا برای این کار آماده است. علی رغم دشمنیها و خباثتهایی که در عرصه فرهنگی و سیاسی در کشور از سوی دشمنان داخلی و خارجی صورت می گیرد، بحمدالله فضا، فضای دین، فضای انقلاب و فضای اسلام است؛ و این بر اثر نورانیت شما جوانان است.

از خدای متعال می خواهم که همه شما را مشمول توجهات حضرت بقیةالله ارواحنا فداه قرار دهد. من شك ندارم که بسیاری از شما جوانان، مورد نظر و منظور دید مقدس ولی عصر ارواحنا فداه هستید. می دانم که دلهای پاک شما مورد توجه آن بزرگوار است. ان شاءالله آن فرزند فاطمه و آن عبد صالح الهی برای شما دعا کند و دعای آن بزرگوار در حق همه مستجاب خواهد بود. امیدواریم ان شاءالله خداوند روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مطهر شهیدان را از همه ما خشنود و راضی فرماید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

(1) فرقان: 74